رد رشوه ۵۰ هزار دلاری

فرمانده انتظامی استان مرکزی از رد رشوه ۵۰ هزار دلاری ماموران وظیفه‌شناس پلیس دلیجان، در عملیات دستگیری راننده خودروی حامل ۷۷ میلیارد ریال ارز قاچاق خبر داد.به گزارش جام‌جم، سردار حسن مفخمی شهرستانی دیروز در جمع خبرنگاران گفت: چند روز قبل تیمی از ماموران انتظامی شهرستان دلیجان در یکی از محورهای مواصلاتی این شهرستان به یك دستگاه خودروی سواری مشکوك شده و در عملیاتی پلیسی خودرو را برای بررسی دقیق متوقف کردند. در بازرسی از این خودرو ارزهای قاچاق دلار و دینار از قرار؛ مبلغ ۳۴۹ هزار و ۵۷۰ دلار و ۹۴۶ هزار و ۵۰۰ دینار کشف، راننده خودرو دستگیر و خودرو برای سیر مراحل قانونی به پارکینگ منتقل شد.وی اظهار کرد: هنگام انتقال متهم به کلانتری، وی برای رهایی از قانون، مبلغ ۵۰ هزار دلار رشوه به مأموران پیشنهاد می‌دهد که مأموران وظیفه‌شناس ضمن رد مبلغ رشوه، مراتب را صورتجلسه کرده و فرد راشی با تکمیل تحقیقات پلیس، برای برخورد قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

جنایت و مکافات

تیزتر از چاقوی ابراهیم...

حامد عسکری
روزنامه‌نگار

تا اینجا خواندیم که صفورا متاهل بود و سر بردن دخترش سارا به بیمارستان، با جوانی به نام میلاد آشنا می‌شود و به میلاد شماره تلفن همراهش را می‌دهد. ارتباط صفورا و میلاد عمیق می‌شود. میلاد به صفورا دل می‌بندد و از صفورا برای ازدواج خواستگاری می‌کند و برای او انگشتری هم به عنوان هدیه خریداری می‌کند. صفورا که توی مخمصه بدی افتاده است، قصه خواستگاری را به ابراهیم می‌گوید. ابراهیم همسر صفورا، توی گوش صفورا می‌زند و می‌گوید به میلاد بگو به خواستگاری‌ات بیاید. ابراهیم به صفورا می‌گوید او را به عنوان دایی خودش معرفی کند و هرچه سریع‌تر به خواستگاری‌اش بیاید، به شرطی که ازدواج ابراهیم و خواهر میلاد هم صورت بگیرد. میلاد به خواستگاری صفورا می‌آید، ابراهیم هم با خواهر میلاد نامزد می‌کند. یك روز ابراهیم به خانه می‌آید و وسایلی از انباری برمی‌دارد و به میلاد زنگ می‌زند که با هم به پیدا کردن گنج در اطراف ورامین بروند، اینك ادامه ماجرا:

به هوش آمده بود و هنوز منگ دنیای بی‌هوشی بود. هنوز باورش نمی‌شد چیزهایی که شنیده خواب نبوده. کابوس نبوده. واقعیتی بوده که با یك لبخند با یك تماس شروع شده. بیخ حلقش مزه فلز می‌داد. شیرابه تلخ و لزجی بیخ حلقش چسبیده بود و پایین نمی‌رفت. معده‌اش می‌سوخت و هر مولکول هوا انگار اندازه گردویی درشت شده بود که از بینی‌اش، از حلقش و از حنجره‌اش پایین نمی‌رفت. عقب سمند سفید و سبز آگاهی نشسته بود و مغازه‌ها ردیف در دو طرف خیابان از کنارش مات و محو می‌گذشتند. بی‌سیم صدا می‌کرد و غیر از خش‌خش نامفهوم بی‌سیم در دست ماموری که جلو نشسته بود، صدای دیگری به گوشش نمی‌رسید. سمند جلوی دری بزرگ توقف کرد و سربازی کوتاه‌قد با عجله و مطیع در را باز کرد. ماشین گوشه حیاط نگه داشت. پیاده شدند و به سمت ساختمانی آجری راه افتادند. صدای قلبش را فقط می‌شنید و لاغیر. پشت میز نشست. یك پارچ آب روی میز بود. دلش آب می‌خواست. مامور زن صدای دلش را انگار شنید. یك لیوان آب ریخت و نزدیك دهانش برد. مامور جوانی وارد اتاق شد. پرونده‌ای را روی میز باز کرد. خونسرد شروع کرد به حرف زدن. همه حرف‌ها را شنید و هیچ‌کدام را مطلقا نمی‌توانست باور کند. ابراهیم... ابراهیم او که مرد مهربانی بود و هیچی از پدر بودن و شوهر بودن کم نداشت، همه این کارها را کرده بود... ابراهیم میلاد را کشته بود. بعد رفته بود توی خانه و خواهر میلاد را کشانده بود توی حمام و آنجا سلاخی‌اش کرده بود. وسط سلاخی‌اش توی حمام بچه‌ها...، بچه‌های خودش و ابراهیم که آمده بودند و دیده بودند را هم کشانده بود توی حمام و خفه‌شان کرده بود...، حالت تهوع داشت. دلش می‌خواست عق بزند. کاش آن روز میلاد را ندیده بود. کاش آن روز تا تهران پیاده رفته بود. کاش نمی‌گفت... کاش انگشترش را نشان ابراهیم نمی‌داد. حالا همه این اتفاقات توی نصف روز افتاده بود. هیچ‌وقت نمی‌توانست خودش را ببخشد. در همه اینها خودش را مقصر می‌دید و دلش می‌خواست برگردد به همان روزها...، همان روزهایی که موتور وانت ابراهیم نسوخته بود و عصرها توی همان حیاط خاکی روفرشی می‌انداختند و چای می‌خوردند. نمی‌دانست ابراهیم کجاست. نمی‌دانست جنازه بچه‌ها الان توی کدام سردخانه است. نمی‌دانست. فردا...فردا؟ همین یك ساعت دیگر چه اتفاقی قرار است، بیفتد. سکوت بود و بهت. توی شیشه اتاق به چشم‌های خودش خیره شد. زن درونش خیلی وقت بود، مرده بود و نفس نمی‌کشید.

گزارش جام‌جم از مناطق سیل‌زده گیلان

باران، تالش را زیر آب برد

زهرا حقیقی
جام‌جم

بازهم بارش باران حادثه‌ساز شد. شدت باران بی‌سابقه در تالش خسارات زیادی به ابنیه، زمین‌های کشاورزی و زیرساخت‌های این شهرستان وارد کرد و شیرینی روزهای آخر تابستان را به کام مردم تالش تلخ کرد.

بارش شدید باران که از بامداد یکشنبه در تالش آغاز شد، موجب جاری شدن سیل و وارد آمدن خسارت به بخش‌هایی از مناطق شهری و روستایی شد. این سیل باعث تخریب منازل و پل‌های ارتباطی چند روستا شد و آب، برق و گاز برخی مناطق مختلف روستایی و شهری این شهرستان را قطع کرد.

با وجود فروکش کردن باران، هنوز برق و گاز مردم برخی از شهرها و روستاهای تالش وصل نشده است. تصاویر منتشر شده از سیل تالش و تخریب پل اصلی آن، نشان‌دهنده عمق فاجعه و خسارت است. باوجود قطع بارندگی هنوز از حجم آبگرفتگی‌ها کم نشده و افراد زیادی به‌ویژه در مناطق روستایی، در خطر قرار دارند.

مهدی بیرامی از شهروندان تالشی می‌گوید: از بامداد یکشنبه باران شروع به باریدن گرفت و در اوایل یکشنبه با شدت بیشتری بارید. پس از وقوع این باران سیل‌آسا پل عابرپیاده که در کنار پل بزرگ تالش قرار داشت، زیر آب رفت و اثری از آن نیست. در حال حاضر مردم مجبور هستند از پلی که مخصوص عبور خودرو است، برای تردد استفاده کنند.

وی که خود از شاهدان این باران سیل‌آسا در تالش است، ادامه داد: حجم آب به حدی بود که پارك پدر، در مجاورت پل بزرگ تالش، آسیب جدی دید و چیزی از این پارك باقی نمانده است.

بیرامی افزود: چندین روستا به صورت جدی با وقوع این سیل آسیب دیده و برق و گاز آنها قطع است. به علت حجم بالای آب نیروهای امدادی و کمك‌رسان نمی‌توانند از ماشین‌آلاتی مثل لودر استفاده کنند؛ چراکه به محض ورود لودر به داخل آب، احتمال واژگونی آن وجود دارد. در حال حاضر به علت مسدودی جاده کمربندی، تردد از داخل شهر صورت می‌پذیرد و ترافیك و مشکلات زیادی برای شهروندان به وجود آمده است.

باران بی‌سابقه

امیر مرادی، مدیرکل مدیریت بحران گیلان هم با اشاره به باران بی‌سابقه در شهرستان تالش، از تخریب پل اصلی تالش خبر داد و به جام‌جم گفت: در حال حاضر شهر تالش، چوبر، اسالم، هشتپر، جوکندان و خرجگیل دچار سیل‌زدگی شده و آب‌بندان شهر تالش نیز دچار آبگرفتگی شده است. در محور اسالم به خلخال نیز با ریزش کوه مواجه شده‌ایم.

وی با بیان این‌که بارندگی‌ها از ساعت ۱ بامداد تا ساعت پنج صبح یکشنبه ادامه داشت، افزود: طی این مدت بیش از ۲۵۰ میلی‌متر باران فقط در شهرستان تالش به ثبت رسیده که در طی چند سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری گیلان از اعلام هشدار نارنجی به مسؤولان شهرستان تالش و دهیاری‌های این مناطق طی چند روز گذشته خبر داد و گفت: باتوجه به پیش‌بینی‌های اداره‌کل هواشناسی استان مبنی بر بارش باران و احتمال آبگرفتگی، تمامی دستگاه‌ها درحالت آماده‌باش بوده و جلسه‌ای به همین منظور در مرکز مدیریت بحران فرمانداری تالش برگزار شد.

مرادی با بیا این‌که سیل به بیش از ۸۰ درصد خانه‌های روستایی خسارت وارد کرده است، گفت: این حجم باران علاوه‌بر قطع راه‌های روستایی تالش، آب، برق و گاز را نیز قطع کرده است و تعدادی از منازل مسکونی دچار خسارت شده‌اند. پیش‌بینی ما از میزان خسارت بیش از یك میلیارد تومان است که البته باید کارشناسان میزان دقیق خسارات را بررسی کنند.

به بهانه ساخت کلیپ و پخش در شبکه‌های ماهواره‌ای انجام شد

سرقت ۴۰۰ میلیونی خواننده زیرزمینی از دختر ۲۰ ساله

خواننده زیرزمینی که در رستوران خوانندگی می‌کرد، به بهانه ساخت کلیپ برای دختر ۲۰ ساله، ۴۰۰ میلیون تومان طلا و سکه‌هایش را دزدید.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل شهریور امسال دختر ۲۰ ساله‌ای با حضور نزد بازپرس دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، از مرد خواننده‌ای به اتهام سرقت ۴۰۰ میلیون تومانی طلاهایش شکایت کرد.

با دستور قضایی پرونده به پلیس آگاهی تهران ارجاع و تحقیق از شاکی آغاز شد.

دختر ۲۰ ساله در جریان تحقیقات گفت: دانشجوی رشته موسیقی‌ام. علاقه زیادی داشتم که خواننده شوم و کلیپ بسازم اما خانواده‌ام مخالف بودند. در اینستاگرام با پسری ۲۵ ساله به نام فرشید آشنا شدم. او در زمینه ساخت کلیپ فعالیت داشت و حتی قطعه‌هایی که با گیتار و دیگر سازها می‌نواخت را در اینستاگرامش منتشر می‌کرد. بعد از آن به ملاقاتش رفتم و وقتی فهمید به موسیقی علاقه دارم، مدعی شد استودیویی در کشور ترکیه دارد که خانواده‌اش آن را اداره می‌کنند. خودش هم خواننده زیرزمینی است و با خوانندگان جوان کلیپ زیرزمینی می‌سازد و در شبکه‌های ماهواره‌ای منتشر می‌کند.

شاکی ادامه داد: او بعد از مدتی به خواستگاری‌ام آمد اما قرار شد خانواده‌اش از ترکیه به ایران بیایند و بعد مراسم خواستگاری و ازدواج را به صورت رسمی برگزار کنیم. وقتی علاقه مرا به خوانندگی دید، پیشنهاد داد برای ساخت کلیپ سرمایه‌گذاری کنم تا کلیپی از من بسازد و برای شبکه‌های ماهواره‌ای بفرستد. به خاطر این‌که خانواده‌ام مخالف فعالیت هنری من بودند، سکه و طلاهای خودم و مادرم را سرقت کردم. می‌خواستم بعد از فروش کلیپ و سود دو برابری، طلا و سکه‌های مادرم را پس دهم. طلا و سکه‌ها را در کیسه‌ای کوچك گذاشتم و به ملاقات فرشید رفتم. او نزدیك پاساژی توقف کرد و خواست من سمت طلافروشی بروم تا با پارك کردن خودرو، کیسه طلاها را برای فروش بیاورد که نیامد و فرار کرد.

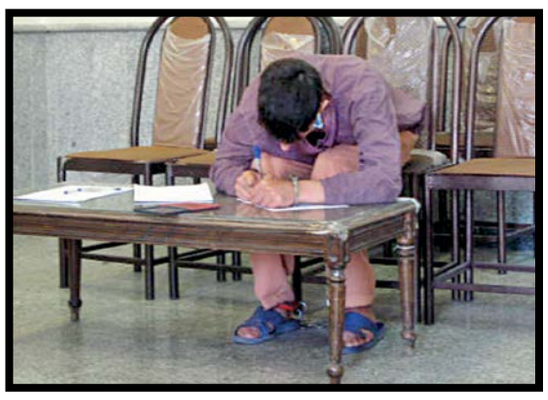

تحقیقات پلیسی برای دستگیری سارق فراری آغاز شد تا این‌که متهم چند روز پیش وقتی که برای فروش بقیه طلاها به مغازه طلافروشی رفته بود با هوشیاری طلافروش ناکام ماند و با حضور ماموران در آنجا، بازداشت شد. پسر ۲۵ ساله به پلیس آگاهی منتقل شد و در مواجهه حضوری با شاکی گفت: من پولدار نیستم، خانواده‌ام در شهرستان زندگی می‌کنند و ساکن ترکیه نیستند. استودیوی ضبط صدا و موسیقی نیز آنجا نداریم. کارگر رستورانی در تهران هستم و گاهی در آنجا خوانندگی می‌کنم. چند آهنگ هم به صورت زیرزمینی ضبط کرده‌ام. بعد از شیوع کرونا، رستوران تعطیل شد و بیکار شدم. وقتی علاقه شاکی را دیدم، تصمیم به کلاهبرداری گرفته و می‌خواستم با این پول چند کلیپ بسازم تا مشهور شوم. متهم در بازداشت به سرمی‌برد. تحقیقات درباره دیگر جرایم احتمالی او ادامه دارد.

نجات پدر و ۲ فرزندش در تاریکی کوهستان

لیلا حسین‌زاده
حوادث

دو روز از رفتن پدر خوزستانی با دو فرزند ۹ و ۱۲ ساله‌اش گذشته و هنوز خبر جدیدی از آنها به دست نیامده بود. قرار بود برای تفریح به ارتفاعات اطراف محل زندگی‌شان بروند، اما گم کردن راه، آنها را در دوراهی مرگ و زندگی قرار داد. پدر و دو فرزندش برای پیدا کردن مسیر اصلی وارد مسیرهای راه و بیراهه می‌شدند و خطرات احتمالی مختلفی در مسیرشان وجود داشت، از طرف دیگر مادر هم به‌شدت نگران دو کودکش بود و بی‌قراری می‌کرد. او به جام‌جم می‌گوید: «هرچقدر با گوشی تماس می‌گرفتم، کسی جواب نمی‌داد و خاموش بود. به‌شدت نگران بودم و دستم از همه جا کوتاه شده بود، به همین خاطر با نیروهای امدادی تماس گرفتم و درخواست کمك کردم.»

۲۹ شهریور بود و هنوز خبری از سه گمشده به دست نیامده بود. با اعلام خبر مفقودی سه نفر در کوه‌های خاییز علمدار، با هماهنگی مرکز کنترل و هماهنگی عملیات جمعیت هلال‌احمر خوزستان و شعبه بهبهان، بلافاصله دو تیم عملیاتی به منطقه اعزام شدند. در کنار آنها نیز، هیات کوهنوردی بهبهان وارد عمل شد. نادر ابوعلی، سرپرست هیات کوهنوردی بهبهان می‌گوید: «ساعت هشت شب ۲۹ شهریور حرکت کردیم و قرار بود به کمك سایر نیروهایی برویم که جلوتر از ما عملیات را آغاز کرده بودند. در طول راه ناگهان چشمم یك نور دید و به همراهانم گفتم صبر کنید، نور یك چراغ‌قوه را دیدم. گفتند اشتباه کردی که جواب دادم من ۳۰ سال است کوهنوردم و چطور ممکن است اشتباه کرده باشم. دوباره حرکت کردیم و این‌بار صدای ناله‌ای را شنیدیم. به همه گفتم صدای ناله شنیدم، باز باور نکردند. صدا زدم، کسی جواب نداد. جلوتر رفتم و دوباره صدا زدم، دوباره صدای ناله آمد. باز هم جلوتر رفتیم و این بار دو بچه را دیدم که حال و روز خوبی نداشتند، به‌شدت ضعیف شده بودند و پدرشان هم همین‌طور بود. به بچه‌ها آب دادم که به خاطر ضعف ناشی از گرسنگی دل‌درد گرفتند و به همین خاطر به آنها خرما دادم. بعد بیسیم زدم و به بچه‌هایی که پایین بودند، گفتم برگردید که پیدای‌شان کردیم. سپس آنها را روی کول‌مان گرفتیم و در اختیار آمبولانس قرار دادیم تا به بیمارستان منتقل کند. این عملیات امداد و نجات به دلیل وسعت و کوهستانی بودن منطقه تنگ شیخ، تاریکی هوا و خاموش بودن خط تلفن همراه، دشوار بود. اما با همکاری نجاتگران جمعیت هلال‌احمر شهرستان بهبهان و تلاش بی‌وقفه نجاتگران هیات کوهنوردی، هر سه نفر در دامنه کوه، نزدیك به روستای چمران پیدا شدند و عملیات نجات ساعت ۲۳ و ۲۱ دقیقه با موفقیت به پایان رسید.»

با این‌که همگی سالم هستند، اما مادر هنوز هم مثل شوك‌زده‌هاست. بچه‌ها هم دست‌کمی از او ندارند: «بچه‌هایم آن‌قدر در شوك بودند که از همه چیز وحشت داشتند. آنها را در آغوش گرفتم و گفتم از هیچ چیز نترسند. خوشحالم که حالا سالم در کنارم هستند.»

تلنگر

قتل پزشك برای گرفتن متادون

مرد معتاد که برای گرفتن متادون، پزشکی را به قتل رسانده بود، بعد از دو ساعت دستگیر شد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۲۱ و ۵۵ دقیقه شنبه بیست و نهم شهریور امسال، مردی با پلیس تماس گرفت و از وقوع تیراندازی در مطب پزشکی به‌نام محمد اعتمادی در مرکز ترك اعتیاد و درمانگاه شبانه‌روزی ایلخچی شهرستان اسکو خبر داد. زمانی که ماموران در محل حاضر شدند، معلوم شد که این مرد که پزشك عمومی بوده و در مطبش هدف گلوله قرار گرفته است. با حضور امدادگران اورژانس، مرد زخمی به بیمارستان امام رضا(ع) تبریز منتقل شد. اما در میانه راه فوت کرد. در ادامه رد مرد معتادی که تصویرش در دوربین‌های مداربسته ثبت شده بود، به دست آمد. او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و دو ساعت بعد از جنایت در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد. متهم به قتل در جریان تحقیقات پلیسی گفت: معتاد بودم و برای دریافت متادون به این مطب رفتم. ولی مرد پزشك حاضر نبود غیرقانونی به من قرص‌های متادون بدهد. بنابراین با او درگیر شدم و با کلتی که همراه داشتم، دو تیر به او شلیك کرده و متواری شدم.

راز جسدی در سطل زباله

عامل قتل زنی که جسدش در سطل زباله در مشهد کشف شده بود، بازداشت شد.

به گزارش ایسنا، ساعت ۲ بامداد بیست و نهم شهریور امسال کارگر جوان شهرداری با جسد زنی در سطل زباله خیابان ابرار مشهد روبه‌رو شد. بازپرس احمدی‌نژاد و تیم جنایی پلیس آگاهی در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه آنها نشان می‌داد که روی شانه‌های زن کشته‌شده خراشیدگی‌هایی ناشی از اصابت چاقو و کبودی دور گردن وجود دارد که حاکی از خفه شدن وی دارد. در جریان تحقیقات هویت این زن شناسایی و مشخص شد که مردی رابطه دوستی با وی داشته‌است. وی به‌عنوان تنها مظنون تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. در جریان تحقیقات از این مرد معلوم شد که مقتول متاهل بوده، رابطه دوستی دور از عرف خانوادگی با مرد غریبه داشته و او را تهدید می‌کرده که اگر به وی پولی نپردازد، خانواده‌اش را متوجه ماجرا می‌کند. مرد جوان که بابت رفتارهای این زن به ستوه آمده بود، با همدستی برادرش این زن را به قتل می‌رساند و جسد او را در سطل زباله رها می‌کند.

واکنش پلیس به کلیپ آدم‌ربایی توسط راننده تاکسی اینترنتی

معاون اجتماعی پلیس فتا ناجا از رسیدگی به زوایای کلیپ منتشرشده در فضای مجازی مبنی بر اذیت و آزار دختر جوان توسط یکی از رانندگان شرکت تاکسیرانی اینترنتی خبر داد.

به گزارش جام‌جم، سرهنگ رامین پاشایی در این باره گفت: باتوجه به انتشار کلیپ «دزدیده شدن دختر جوان توسط یکی از رانندگان اینترنتی» در فضای مجازی و ادعاهای مطرح‌شده توسط دختر جوان که ساکن تهران است، مبنی بر این‌که «پس از ثبت سفارش به مقصد تعیین‌شده در طی مسیر توسط راننده مورد اذیت، آزار و توهین قرار گرفته است» موضوع در دستور کار پلیس فتا قرار گرفت.

وی افزود: راننده خاطی مورد شناسایی قرار گرفت و پس از احضار به پلیس فتا و تفهیم اتهامات، وی منکر هرگونه جرمی شد و گزارش دختر جوان را دروغ دانست و از دختر جوان به عنوان «نشر اکاذیب، تهمت و افتراء» شکایت کرد.

خودکشی به خاطر ناکامی در کنکور

پسر جوان بعد از ناکامی در کنکور به زندگی‌اش پایان داد. این پسر ۱۹ ساله دیروز پس از اعلام نتایج کنکور و به علت ناکامی برای قبولی در رشته پزشکی، با اسلحه شکاری به خود شلیك کرد.

زن اسیدپاش در یك قدمی چوبه دار

زن جوان که با اسیدپاشی بر روی شوهرش مرگ او را رقم زده بود، با تایید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور، یك قدم به مرگ نزدیك شد.

به گزارش خبرنگار کیفری جام‌جم، آذر سال ۹۶، زنی در شهرری روی همسرش که خواب بود، اسید پاشید و او را سوزاند. این مرد به بیمارستان منتقل شد، اما به خاطر شدت سوختگی جان سپرد. به این ترتیب زن جوان بازداشت شد.

وی در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من و همسرم از همان ابتدای زندگی مشترك با هم اختلاف داشتیم. همسرم مرد بداخلاقی بود و مدام مرا اذیت می‌کرد. صاحب یك پسر بودیم، اما همسرم به من و فرزندم خرجی نمی‌داد. به همین خاطر هر روز با هم دعوا داشتیم و آخرین بار دعوا میان من و همسرم بالا گرفت و مرا به‌شدت کتك زد. به همین خاطر کینه او را به دل گرفتم. من پیش از این او را تهدید به اسیدپاشی کرده بودم، اما همسرم به این حرف هیچ توجهی نکرده بود.

زن جوان ادامه داد: من آن شب تا صبح به انتقام‌گیری از همسرم فکر کردم تا این‌که نزدیك صبح تصمیم گرفتم نقشه‌ام را عملی کنم. به انباری خانه رفتم و ظرف چهار لیتری حاوی اسید را برداشتم. من با ظرف اسید بالای سر همسرم حاضر شدم. می‌خواستم او را تهدید کنم تا دست از بدرفتاری بردارد ولی همسرم با دیدن من بالای سرش، از خواب پرید و ناخواسته ظرف اسید روی بدنش ریخت. من که شوکه شده بودم، بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم ولی کار از کار گذشته بود.

به‌دنبال اعتراف‌های این زن، وی در شعبه پنجم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه مادر قربانی برای عروسش حکم قصاص خواست.

سپس زن جوان در حالی که اشك می‌ریخت به دفاع پرداخت و گفت: می‌خواستم همسرم را بترسانم تا دست از بداخلاقی بردارد. بارها به او گفته بودم با اسید خودم و پسرمان را می‌سوزانم ولی با بی‌اعتنایی جوابم را داده بود. رفتارهای بد همسرم و بی‌اعتنایی‌های او به زندگی‌مان باعث شد تا دست به این کار بزنم.

با تایید سلامت روانی این زن و با درخواست اولیای دم، قضات بعد از شور، وی را به قصاص محکوم کردند. حکم مجازات زن اسیدپاش دیروز در دیوان عالی کشور حکم تایید خورد و پرونده برای اجرا به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم

یک شرکت انبوه‌سازی در نظر دارد، در یک بلوک ۱۵ واحدی و دوبلوک ۲۴ واحدی واقع در مجتمع ۶۴۶ واحدی شهید گنجی‌زاده شهر مجلسی سیستم اعلام حریق آدرس‌پذیر از برندهای مورد تایید سازمان آتش‌نشانی استان اصفهان راه‌اندازی نماید.

آدرس: اصفهان، مبارکه، شهر جدید مجلسی، انتهای خیابان دکتر حسابی، پروژه شهید گنجی‌زاده

تماس و بازدید: ۸ صبح الی ۱۶

شماره‌های تماس:

آقای عزیزی: ۰۹۱۳۲۸۰۵۸۸۱ و آقای عبدالصمدی: ۰۹۱۳۴۴۲۹۱۰۰

مهلت بازدید: از زمان انتشار آگهی به مدت یک هفته کاری

هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مناقصه خدمات توسعه و نگهداشت فضای سبز شهرک ولایت

۱ موضوع و مدت مناقصه: توسعه و نگهداشت فضای سبز به مدت یک سال شمسی در شهرک ولایت واقع در بزرگراه شهید بابایی

۲ تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی و یا سپرده نقدی به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۳ هزینه خرید اسناد مناقصه: ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه چاپ آگهی نیز برعهده برنده مناقصه می‌باشد.

۴ شرایط پیمانکاران متقاضی:

- داشتن سوابق اجرایی قراردادهای توسعه و نگهداشت فضای سبز(حداقل ۳ مورد)
- ارایه رضایت‌نامه و گواهی حسن انجام کار از کارفرمایان قبلی
- داشتن سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه
- داشتن گواهی تایید صلاحیت پیمانکاران خدماتی مرتبط با موضوع مناقصه از وزارت کار

متقاضیانی که شرایط فوق را دارند می‌توانند حداکثر تا ۳ روز کاری پس از انتشار آگهی، ضمن ارایه تقاضای کتبی، جهت دریافت اسناد مناقصه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۹۳۶۷۶۶۹۸۷۵ و یا ۷۷۱۰۴۸۲۲ داخلی ۱۰۲ تماس حاصل نمایند.